



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd.
Year/NO: 2 Summer 2021

بررسی مقایسه ای شیوه های تفسیر در قانون تجارت الکترونیک ایران، فقه امامیه ومقررات بیع بین الملل
عبدالحمید مفتخر^۱ مهران جعفری^۲ علی پورجوهری^۳ کرم جانی پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۷

چکیده

وقتی که در تنظیم قرارداد ابهامی وجود داشته باشد، تفسیر قرارداد برای کشف اراده طرفین ضروری می نماید. پیدا شدن مناقشه بین طرفین از موارد ضرورت تفسیر است. قانون تجارت الکترونیکی ایران که به عنوان یک نوآوری برای نخستین بار به ضرورت تفسیر اشاره کرده است، فقط ناظر به تفسیر قانون است و در خصوص تفسیر قراردادها نصی ندارد. با توجه به اینکه در ماده ۴ همین قانون رفع ابهام را به قاضی سپرده است می توان گفت تفسیر قرارداد در صورت وجود ابهام و مناقشه بر عهده قاضی است. در کنوانسیونهای بین المللی و نظام های حقوقی دنیا احراز قصد طرفین هدف تفسیر است. فقه امامیه بر اساس الْعُقُودُ تَابِعَةٌ لِلْقُصُودِ عقد را تابع قصد می داند و بر مبنای قصد طرفین دستور به تفسیر قرارداد را می دهد. علاوه بر این در فقه امامیه از اصول و قواعد ریشه دار فقهی برای رسمیت بخشیدن تفسیر در قراردادها استفاده شده است. در هر سه نظام حقوقی مورد بحث این مقاله عرف واجد جایگاه قابل توجهی در تفسیر قرارداد است و در فقه امامیه بر پایه الْمَعْرُوفُ بَيْنَ التُّجَّارِ كَالْمَشْرُوطِ بَيْنَهُمْ عرف بین تاجران مفسر و مبین اراده طرفین است. رعایت انصاف و داشتن حسن نیت در همه نظام های حقوقی در تفسیر قراردادها توصیه گردیده است.

کلمات کلیدی: تفسیر قرارداد، حسن نیت، عرف تجاری، بیع بین المللی، فقه امامیه

moftakhar1332@gmail.com

mehran95jafari@yahoo.com

a.pourjavaheri@gmail.com

karamjanipour1349@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۴. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

مقدمه

قانون تجارت الکترونیکی ایران در مرحله برداشتن گام های ابتدایی است. در این قانون به نکاتی اشاره شده است که در تاریخ تقنینی ایران یا تا کنون سابقه ای نداشته است و یا نمایشی کمرنگ داشته است. این تأسیسات قانون تجارت الکترونیکی را اگر نوآوری های این قانون بنامیم لزوماً باید این نوآوری ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و فلسفه وجودی آنها تحت بررسی و نقد درآید و اگر کاستی هایی دیده می شود در مسیر بهبود نظم قانونگذاری تذکر داده شود یکی از این نوآوری ها قاعده تفسیری است که قانونگذار برای تفسیر قانون در نظر گرفته است. روشن است که در کنار این قانون و حتی پیش از آن نظام های حقوقی دیگر و فقه امامیه بحث تفسیر را مطرح کرده اند و قراردادها را به حال خود رها نکرده اند و با ارائه شیوه های تفسیر قرارداد از لجام گسیختگی روابط تجاری و نهایتاً اضرار به اشخاص و دولتها کاسته اند. بی تردید گسترش مبادلات تجاری بین تجار و کشورها و عدم تخصص پاره ای از قراردادنویسان به نکات فنی که باید در نوشتن قرارداد رعایت شود از عوامل ریشه ای وجود ابهامات در قراردادهاست. وجود پرونده های فراوان در محاکم دادگستری که به علت وجود مناقشات بین طرفین قرارداد تشکیل شده اند، مثبت این ادعاست. در نگارش قرارداد باید نیت طرفین به وضوح مشخص شده باشد و در صورت عدم صراحت پای تفسیر به میان کشیده می شود تا دادرس با احراز قصد مشترک طرفین در توافق نامه ای که در پیش رو دارد بتواند مبادرت به اخذ تصمیم بنماید. نقش عرف بخصوص در مناسبات تجاری را نباید نادیده گرفت. بدیهی است عرف تجاری را تاجران بنا نهاده اند و طی سالیان متمادی بدان عمل کرده اند و اگر عرف بین تجار به منزله شرط بین آنها تلقی می شود ولو چنین شرطی به وضوح در قرارداد دیده نشود به همین دلیل احترام و جایگاهی است که عرف برای خود خلق کرده است. تفسیر قانون بر مبنای خصوصیت بین المللی از ابداعات قانون تجارت الکترونیکی ایران است همین طور اندیشه های قانونگذار در این قانون در خصوص ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها که زمینه ساز ایجاد تفاهم ها و رفع تنش های اقتصادی بین نظام های مختلف است. لزوم رعایت حسن در تفسیر نیز با اینکه به صراحت در قوانین ایران قابل ملاحظه نیست ولی با بررسی مواد مختلف قانونی و برداشت از مفهوم مخالف موادی که معاملات همراه با سوی نیت را نادرست می دانند می توان گفت: قوانین ایران پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیکی به طور ضمنی ضرورت وجود حسن نیت را در دستور کار خود داشته اند ولی لزوم حسن نیت در تفسیر قانون از نوآوری های قانون تجارت الکترونیکی ایران به حساب می آید.

اهداف پژوهش

از اهداف این تحقیق این است که به این مهم پردازد که در فقه امامیه و به تبع آن حقوق موضوعه ایران اعتبار قراردادهای منبعث از اراده طرفین است و در موقعیت وجود ابهام قراردادهای به نحوی تفسیر می‌شوند که ضرری متوجه کسی نشود و اگر ضرر اجتناب‌ناپذیر باشد این پیشنهاددهنده است که باید متحمل ضرر بشود. از سویی تحقیق به دنبال جایگاه داوری عرف در تفسیر قراردادهای نظام‌های فقهی و حقوقی است

روش تحقیق

در این تحقیق برای جمع‌آوری مطالب از روش کتابخانه‌ای، نصب برنامه‌های نرم‌افزاری رایانه‌ای، مراجعه به کتب معتبر فقهی و حقوقی و مقالات علمی استفاده شده است. مصاحبه با اندیشمندان و مراجعه و درک محضر علما کمک معنایی در تهیه و تدوین این تحقیق کرده است.

تعریف تفسیر

تفسیر مصدر باب تفعیل از ماده فَسَّرَ به معنی ظهور و کشف است بنابراین می‌توان آن را به معنی هویدا کردن، و بیان معنی سخن دانست. (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴)

شیخ انصاری تفسیر را اینگونه تعریف می‌کند: تفسیر عبارت است از کشف مقصود یا برداشتن ثمره و حجاب از حکم یا عبارات قراردادی و تشخیص قصد متعاقدين (انصاری، ۱۳۸۱)

در اصطلاح حقوقی تفسیر قرارداد عبارت است از جستجوی دلالت دقیق‌تر اندیشه متعاقدين و مشخص کردن گستره تعهدات قراردادی با بهره‌گیری روش‌هایی که هر چه دقیق‌تر اندیشه متعاقدين را نشان دهد. (صالحی راد، ۱۳۸۷)

سابقه تفسیر

در خصوص تفسیر قوانین و مقررات تا کنون هیچ قاعده تدوین شده‌ای در ایران وجود نداشته است. انتخاب روش تفسیر قوانین حسب طبیعت قوانین و مقررات در عمل به نظر حقوقدانان و رویه قضایی و عرف حقوقی واگذار شده است. معمولاً تفسیر قوانین امری کاملاً داخلی و در حوزه حقوق داخلی است. زیرا قلمرو اجرای قوانین داخلی در حوزه قلمرو داخلی کشورها بوده و ویژگی بین‌المللی ندارد. وانگهی قواعد حقوقی معمولاً به وسیله دادرسان تضمین می‌شود و به طور طبیعی دادرسان در نظام داخلی قواعد حقوق را به نحوی تفسیر می‌کنند که با آن آشنایی کامل دارند زیرا استفاده از دیگر شیوه‌های تفسیر می‌تواند در عمل با تعارض‌های حقوق داخلی روبرو شود. تنها قانونی که در ایران به روش تفسیر توجه کرده قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۵/۸ است. بر پایه این قانون اعتبار و تفسیر و اجرای قراردادهای تابع قوانین

ایران خواهد بود. در عمل آن قانون هم در روش تفسیر به قوانین داخلی ارجاع داده است. حال آنکه هیچ روش تفسیر تدوین شده ای در قوانین داخلی ایران وجود نداشته و توصیه نشده است. در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی ایران نخستین بار به وضع قاعده تفسیری اقدام شده است: در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها و کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد. نکته عجیب در این ماده عدول از قواعد حقوقی داخلی در تفسیر قانون داخلی است. اگرچه در حوزه تجارت الکترونیکی امکان وجود مؤلفه های خارجی در قراردادهای مربوط به لحاظ استفاده از شبکه اینترنت یا سیستم های ارتباطی جدید وجود دارد در هر حال این قانون زمانی اعمال می شود که قرارداد در قلمرو ایران منعقد شده یا قانون تجارت الکترونیکی ایران به عنوان قانون حاکم انتخاب شده باشد. که در این صورت علت انتخاب خصوصیت بین المللی در تفسیر مواد این قانون نامعلوم است و از این جهت ماده ۳ قابل انتقاد به نظر می رسد. (پورسید، ۱۳۹۶، ص. ۵۳)

سابقه تفسیر بر مبنای فقهی

در قرآن احکام عملی معمولاً به صورت کلی بیان شده است. در بسیاری از آیات نیز حکم بالفاظی بیان می شود که دلالت آن قطعی و ظاهری نیست و راه را برای اجتهاد و دخالت ذهن هموار می سازد علاوه بر این گاهی تاثیر رای لغوی و نحوی مفسر یا فقیه و نظر او درباره برخی از مباحث اصول فقه مانند عموم و خصوص یا اطلاق یا تقييد و همچنین مساله صحت یا سقم و درجه اعتبار روایات باعث ایجاد اختلاف در استنباط احکام می شود این اختلافات از زمان وفات پیامبر آغاز شد چنانکه گاهی صحابه نیز در فهم یک آیه و احکام ناشی از آن اختلاف نظر پیدا کردند. به هنگام تفسیر آیات ابتدا آرای فقها و بزرگان مذاهب دیگر را به همراه دلایل آنان بیان می کردند سپس با استفاده از دانش لغوی و نحوی و اصولی خود و با رایحه شواهد قرآنی و حدیثی نظرش را که منطبق بر یکی از مذاهب شناخته شده فقهی است به اثبات می رساند (حصاص، ۱۴۰۵)

تفسیر فقهی تنها به احکام وضعی و تکلیفی می پردازد. در این روش سعی مفسر بر استنباط حکم از آیاتی است که به صراحت یا اشاره متضمن حکم شرعی است

از این رو می توان آن را یکی از قدیمی ترین انواع تفسیر موضوعی به حساب آورد این نوع تفسیر را از آن جهت که فقها آن را بر عهده دارند از دقیق ترین تفاسیر دانسته اند. (ایازی، ۱۴۱۴)

ضرورت تفسیر در فقه امامیه

فقها وجود ابهام سبب غرر را ملاک قرار می دهند و ابهام در معامله را از اصلی ترین عوامل بطلان معامله می دانند، به همین جهت فقه اسلامی رفع ابهام از مورد معامله را ضروری دانسته و از انجام معامله در چنین شرایطی با استناد به حدیث

منقول از پیامبر اکرم (نهی النبی عن الغرر) نهی نموده است. ابهامات قراردادی باید با اقتضای آن تفسیر شود در نتیجه تفسیر معارض با طبیعت عقد بی اعتبار است. دلیل این امر این است که اگر متعاقدین منظور خود را به صراحت بیان نکرده باشند آن را تابع طبیعت عقد قرارداده اند پس شروط مبهم نباید طوری تفسیر شود که با تعهدهای اصلی طرفین عقد معارض باشد. در فقه شیعه مسایلی مطرح شده که از مجموع آنها می توان به مشروعیت این قاعده پی برد. به عنوان مثال علامه شوشتری فرموده است: يعطى المال من الشيعة يحج واستحسنه وهو كما ترى بل الاقرب ان الحج احد سبله كفقراء الشيعة ويشهد لان السبيل كل قربه آيه الزكاه نعم لو كان الموصى من العامه يكون السبيل عندهم الجهاد والمرابطه (شوشتری، ۱۳۶۸)

اگر وصیت کننده مقرر کرده باشد که مال مورد وصیت فی سبیل الله مصرف شود اگر وصیت کننده از اهل سنت باشد باید مال وصیت شده به مصرف جهاد با دشمنان برسد زیرا در عرف اهل تسنن منظور از فی سبیل الله جهاد در راه خداست و اگر وصیت کننده شیعه باشد در مورد حج یا کمک به فقرا باید مصرف شود.

قواعد حاکم بر تفسیر در فقه:

امامیه تفسیر قرارداد تحت ضوابطی مشروعیت دارد از آن جمله است: نفی بر قرارداد نباید مستلزم انجام عمل لغو باشد - تفسیر نباید در جهت نقض غرض باشد - تفسیر نباید مستلزم وجود مفسده باشد - تفسیر نباید مستلزم عسرت و سختی باشد - تفسیر نباید مستلزم تحقق فسخ باشد و نهایتاً تفسیر نباید مستلزم تخصیص باشد

مبنای تفسیر قرارداد در فقه امامیه

در فقه امامیه مبنای تفسیر اراده اقتضای عمل به حکومت اراده واقعی بر عقد، الْعُقُودُ تَابِعَةٌ لِلْقُصُودِ، است. در جایی که نامزدها در نهان به مهری تراضی می کنند ولی به خواهش زن و کسان او در عقد مبلغ بیشتری می آورند شیخ طوسی مهر ذکر شده در عقد را معتبر می داند.

تفسیر به زیان داین در فقه امامیه

شیخ انصاری در توجیه اینکه با وجود ابهام در قرارداد تفسیر آن به زیان داین است، استدلال می کند: داین مکلف به اثبات طلب خود و ارایه دلیل برای آن می باشد و اگر در مقدار دین تردید باشد و داین از ارایه دلیل برای توسعه آن عاجز باشد ناگزیر باید به مقدار کمتر اخذ نماید زیرا مقدار کمتر قدر متیقن است و برای آن دلیل وجود دارد. (انصاری، ۱۳۶۱)

این نظر که اغلب قرارداد را داین می نویسد یا آن را تایید می کند و اگر قرارداد را او املا و یا امضا کند نقص موجود در قرارداد نتیجه اقدام خود داین است به دلیل اینکه می توانسته قرارداد را به صورت واضح منعقد کند و چنین نکرده است و باید عقد را به نفع مدیون تفسیر کرد پذیرفته است. (خویی، ۱۴۰۸)

تفسیر به زیان پیشنهاد دهنده

قاعده تفسیر علیه انشا کننده شرط مبهم زمانی می تواند به کار رود که مشخص شود کدام یک از طرفین شرط مورد اختلاف را تنظیم کرده است

در ماده ۲۸ لایحه قانون تجارت ایران آمده است: اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد آن شرط به ضرر پیشنهاد دهنده آن تفسیر خواهد شد. نگاهی به این ماده نشان می دهد که موضع این لایحه پیشرفته تر از نگاه فقه و نظام های بین المللی است، چرا که هم در فقه و هم در حقوق بین الملل در صورت وجود ابهام در قرارداد تفسیر به زیان متعهد له است و با این استدلال که قرارداد را خود تنظیم می کنند اصل را بر اقدام وی می گذارند و متعهد له را مسئول تحمل خسارت ناشی از آن تلقی می کنند در لایحه تجارت هر کس پیشنهاد شرط مبهم را داده است شرط به ضرر او تفسیر خواهد شد. خواه متعهد باشد خواه متعهد له.

تفسیر به زیان متعهد له در برخی نظام های بین المللی

در حقوق انگلیس پذیرفته شده است که اگر در مورد مفهوم و قلمرو تعهدات تردید ایجاد شود رفع ابهام علیه فردی که آن را تنظیم کرده و به آن استناد می کند صورت می گیرد. در انگلیس قاعده تفسیر به زیان تنظیم کننده بیشتر در مورد شروط محدود کننده و یا معاف کننده از مسئولیت به کار می رود. (LEWISON '1997)

در حقوق امریکا بند ۲ ماده ۲۰۵ از مجموعه قوانین حقوقی امریکا مقرر نموده است: از بین معانی محتمل برای یک تعهد یا توافق نامه یا شرط مندرج در آن معنایی که به ریان تنظیم کننده است ترجیح داده می شود. (قشقایی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸.)

ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی فرانسه می گوید: به هنگام تردید قرارداد به ضرر کسی که شرط را ایجاد کرده و به نفع کسی که تعهد را قبول کرده تفسیر می شود. (article, ۱۱۶۲)

جایگاه عرف در تفسیر قرارداد در فقه

استعمال عرفی حجت است و قاضی باید در تفسیر و تحلیل عقود عرف را ملاک قرار دهد زیرا متعاقدين جزء عرف و عالم به سیره عرفی هستند و اگر تصریح به مخالفت با عرف نکرده باشد حمل بر این می شود که از بناء و سیره عقلا تبعیت

نموده اند و عدم مخالفت آنها نشان دهنده رضایت آنها به عرف است. فقها رجوع به عرف را برای تشخیص مراد متکلم در موردی که فقط به طور مطلق به کار رود تجویز کرده اند و بین فقها اجماع وجود دارد. العرف عبارة عن كل ما اعتاده الناس وسارو عليه من فعل شاع بينهم او قول تعارفوا عليه ولاشك ان العرف هو المرجع اذا لم يكن هناك من الشارع

عرف عبارت است از همه آنچه که مردم به انجام آن عادت کرده اند و آنها کارهایی را به طور عمومی بین خود انجام داده اند یا گفته ای که آن را همه می دانند و شکی در عرف وجود ندارد و وقتی که از جانب شارع حکمی نباشد مردم به عرف رجوع می کنند (سبحانی ۱۴۲۰)

ان العرف له دور في مجال الاستنباط اولا وفصل الخصومات ثانيا حتى قيل في حقه العاده شريعته الحكمه او الثابت بالعرف كالثابت بالنص (افندی؛ ۱۲۴۳م)

نقش عرف در تفسیر قانون تجارت الکترونیکی

با بررسی مبحث عرف و جایگاه آن به این نتیجه می رسیم که در اعتبار فقهی و حقوقی عرف تردیدی وجود ندارد و فقها و قوقدانان در موارد بسیاری آن را مورد تمسک و استناد قرار داده اند. همچنین بنا بر آنکه عرف ندیده ای است اجتماعی و بیانگر اراده اجتماع، پدیده نوظهوری نیست که فقه و حقوق امروزی آن را کشف کرده باشد یا اینکه بر آنها تحمیل شده باشد بلکه فقه و دانش حقوق از دیرباز با آن آشنا بوده و چه بسا بتوان ادعا کرد که عرف قدیم ترین پدیده فقهی و حقوقی است که به عنوان مظهر و جلوه گاه حقوق شناخته شده است.

قانونگذاران ایران در بحث قانون تجارت الکترونیکی به کاربرد عرف در تفسیر این قانون اشاره مستقیمی ندارد زیرا که عرف در حقوق کنونی ایران مبتنی بر مبانی اسلامی است و جزء منابع حقوق به شمار نمی آید. اما از آنجا که مطابق اصل چهارم قانون اساسی بنا به تشخیص فقهای شورای نگهبان کلیه قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد و نیز بر اساس اصل ۱۶۷ همان قانون قاضی موظف است اگر حکم دعوارا در قوانین مدونه نیابد با استناد به منابع اسلامی یا فتاوی معتبر حکم صادر نماید از طرفی اهمیت و تاثیر عرف در این نظام حقوقی تا آنجایی است که برخی از ماحکم به العقل حکم به الشرع به ما حکم به العرف حکم به الشرع تعبیر کرده اند (محقق داماد، م و کیخا فرزانه، م، ۱۳۹۷) و نیز وقتی ارجاع اصل ۱۶۷ ارجاع به فتاوی معتبر فقهی است و بر اساس این فتواها در صورت عدم تبیین مفهومی الفاظ در قانون حقیقت شرعیه جایگزین حقیقت قانونی می شود و اگر لفظی نه حقیقت قانونی داشته باشد و نه حقیقت شرعی در مقام تفسیر قاضی باید به عرف توجه کند و فقها برای تشخیص مراد متکلم رجوع به عرف را تجویز کرده اند (جبعی عاملی، ز، ۱۴۱۴) در نظام حقوقی ایران نقش عرف با توجه به اسلامیت این نظام وفق اصول ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی که مبتنی بر دکترین فقهی می باشد قابل اعتناست و می توان بر این باور بود که اصول یاد شده فوق مبین اعتقاد قانونگذار به مراجعه به عرف با اشاره به بهره گیری از موازین

اسلامی و منابع معتبر اسلامی در تفسیر قانون می باشد. نهایتاً اگر قایل به تاثیر عرف در تفسیر قانون باشیم به جهت عام بودن آن، قانون تجارت الکترونیکی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

اصول فقهی مورد استفاده در تفسیر قرارداد

اصل حقیقت یا اصاله الحقیقه

وموردها ما اذا شك في اراده المعنى الحقيقي او المجازي من اللفظ بان لم يعلم وجود القرينه على اراده المجاز مع احتمال وجودها فيقال حينئذ (الاصل الحقیقه) ای الاصل ان نحمل الكلام على معناه الحقيقي فيكون حجه فيه للمتكلم على السامع وحجه فيه للسامع على المتكلم فلا يصح من السامع الاعتذار في مخالفته الحقیقه بان يقول للمتكلم: لعلك اردت المعنى المجازي ولا يصح الاعتذار من المتكلم بان يقول للسامع اني اردت المعنى المجازي (مظفر، ۱۳۸۴)

اصالت حقیقت از مهمترین اصول لفظی بوده و کاربرد آن در جایی است که قراردادی دارای دو معنای حقیقی و مجازی باشد و شک و تردیدی حاصل شود که مقصود متعاقدین کدام یک از این دو بوده است و قرینه ای نیز بر اینکه معنای مجازی مورد نظر طرفین باشد وجود نداشته باشد. در این حالت اصل بر این است که عبارت را بر معنای حقیقی آن حمل کنیم. برای مثال اگر شخصی بگوید این خانه را در برابر آن ماشین به تملیک تو در می آورم و مخاطب شک کند که آیا مراد او عقد بیع بوده است یا عقد صلح در نزد عقلا کلام او بر اراده عقد بیع حمل می شود چون تملک حقیقت در بیع است.

در جمله: رایت اسدا اگر قرینه لفظی یرنی وجود نداشته باشد شنونده نمی داند که منظور متکلم از اسد معنای حقیقی آن است یا مجازی. در اینجا طبق اصاله الحقیقه جمله باید بر معنای حقیقی حمل شود نه مجازی

استعمال زوج و زوجه در مورد زن و مردی که در علقه زوجیت هستند حقیقت است ولی اگر بین آنها طلاق واقع شده وعده نیز منقضی شود به کاربردن الفاظ زوج و زوجه در مورد آنها استعمال مجازی است. (جعفری لنگرودی؛ م؛ ج)

کلمه دکتر به کسی اطلاق می شود که مراحل خاصی از تحصیلات دانشگاهی را به اتمام رسانده و این حقیقت است. اما اطلاق این کلمه به دانشجوی مقطع دکتری مجاز است.

کاربرد اصل عموم در تفسیر قراردادها

هرگاه لفظ یا عبارتی که در قرارداد به کار رفته عام باشد و شک و تردید حاصل شود که آیا این عام تخصیص خورده است یا نه در این حالت با توسل به اصاله العموم کلام را بر عموم حمل می کنیم. به عبارت دیگر اصل در الفاظ و عبارات عدم وجود تخصیص و عمل به عام است مگر اینکه دلیلی مبنی بر وجود تخصیص آن وجود داشته باشد و هرگاه دلیلی

مبنی بر وجود تخصیص در عبارت عام نباشد براساس اصل لفظی می‌گوییم متعاقبین عمل به عام را قصد کرده‌اند. و اگر می‌خواستند این عام را تخصیص بزنند حتماً به وسیله‌ای خواست خود را بیان می‌کردند. البته براساس مامن عام الا وقد خص تمسک به عام قبل از فحوص و جستجو از مخصص جایز نیست. برای مثال هرگاه گفته شود از همه دانشمندان عیادت کن و تردید حاصل شود که آیا منظور گوینده تمام دانشمندان با هر نوع تخصصی است یا تنها دانشمندان دینی مراد است. در این صورت با اجرای اصالت عموم مخاطب باید به عیادت تمام دانشمندان برود.

اذا شككنا في شمول العام - المخصص - لبعض افراد الباقي من العام بعد التخصيص فهل العام حجه في هذا البعض فتيمسك بظاهر العموم لادخاله في حكم العام؟ على اقول: مثلاً اذا قال المولى (كل ماء طاهر) ثم استثنى من العموم به دليل متصل او منفصل اگر شك كنيم در شمول عام برای بعضی افراد باقی از عموم بعد از اینکه تخصیص وارد شد آیا حکم عام برای برخی حجت است؟ پس تمسک می‌کنیم به ظاهر عموم. به خاطر اینکه داخل در حکم عام است بنا بر گفته‌ها: مثلاً وقتی مولى می‌فرماید: همه آب‌ها پاک هستند سپس از عموم خارج شود به دلیل متصل یا منفصل (مظفر، ۱۴۲۰)

مثال حقوقی: ماده ۴۴۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: هر یک از خيارات بعد از فوت منتقل به وراثت می‌شود. اقتضای عمل به اصالة العموم این است که شک در مورد اینکه کدام یک از خيارات مورد نظر قانونگذار است را مردود بدانیم و قایل شویم به اینکه لفظ خيارات همه نوع خيار را شامل می‌شود.

کاربرد اصالت عدم تقدیر در تفسیر قراردادها

قاعده اصالت عدم تقدیر به عنوان یک قاعده‌ی تفسیری در تفسیر قراردادها کاربرد بسیار مفیدی برای قضات دادگاهها در مورد اختلافات قراردادی دارد. وموردها ما اذا احتمل التقدير في الكلام وليس هناك دلالة على التقدير فالاصل عدمه ويلحق باصالة عدم التقدير اصالة عدم النقل واصالة عدم اشتراك وموردهما ما اذا احتمل معنى ثان موضوع له اللفظ فان كان هذا الاحتمال مع فرض هجر المعنى الاول وهو المسمى بالمنقول فالاصل عدم النقل وان كان مع عدم هذا الفرض وهو المسمى بالمشترك فان الاصل عدم اشتراك فيحمل اللفظ في كل منهما على ارادة المعنى (مظفر، ۱۳۸۵)

ومورد آن وقتی احتمال دهیم که سخن گوینده در تقدیر بوده است یا نه و دلیلی نداریم که کلام در تقدیر بوده است اصل بر عدم تقدیر است.

مثال: سل القرية التي كنا فيها یعنی از قریه‌ای که در آن هستیم بپرس. اگر به جمله مزبور اهل را اضافه کنیم می‌شود از اهل قریه سوال کن که لفظ اهل در این جمله در تقدیر است. (سوره یوسف، آیه ۲۲)

مثال دیگر: در آیه: حرم علیکم امهاتکم وبناتکم وخوااتکم وعماتکم وخالاتکم یعنی مادران و دختران وخواهران و عمه‌ها وخاله‌هایتان بر شما حرام شد. در این آیه منظور نکاح با این افراد است که لفظ نکاح در تقدیر است.

مثال قانونی: ماده ۶۶۴ قانون مدنی: کلیه عقود جایزه به موت احد از طرفین منفسخ می شود همچنین به سفته در مواردی که رشد معتبر است. در اینجا کلمه جنون در تقدیر است.

کاربرد اصل برائت در تفسیر قرارداد

اصل برائت از اقسام اصول عملی است که وظیفه مکلف را در مواردی که بعد از جستجو و دست نیافتن به دلیل در تکلیف واقعی شک می نماید تعیین نموده و به برائت ذمه او را از تکلیف مشکوک حکم می کند و مکلف را موظف به انجام تکلیف نمی داند. در مقام تفسیر قرارداد ها در جایی که به جهت ابهام یا نقص قرارداد در وجود دین یا تعهدی شک و تردید وجود دارد یا در مورد میزان دین و تعهد شک و تردید است اصل برائت به عنوان یک اصل تفسیری راهگشای قاضی در رفع تردید و تعیین تکلیف قضیه و صدور حکم مقتضی خواهد بود. زیرا در جایی که از مفاد قرارداد با دلایل خارجی معتبر و قرائن و امارات نتوان شک و تردید موجود را مرتفع و حکم به وجود دین یا عدم دین داد در این حالت قاضی به استناد اصل برائت خود را از بلا تکلیفی رها نموده و حکم به عدم تعهد یا دین می دهد. اصل برائت باین استدلال که تعذیب فرع بر بیان است از آیه: ... و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا: ما بدون اینکه پیامبری را برای هدایت مردم بفرستیم عذاب کننده آنان نبودیم: (سوره اسری آیه ۱۵) استفاده شده است.

اگر در خصوص استعمال دخانیات با بررسی و تحقیق کافی دلیلی حاکی از حرمت نیافتیم برای اینکه از تردید خارج شویم اصل برایت راجاری می کنیم یعنی حکم حرمت ثابت نمی شود.

مهمترین مبنای اصل برایت اصل عدم است زیرا ایجاد تعهد منوط به وجود عامل و منبعی خاص است بنابراین اگر در مورد ایجاد تعهد تردید شود با استناد به اصل عدم به عدم تحقق آن حکم داده می شود.

طبق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات نماید. پس اصل بربرایت ذمه است

ماده ۳۵۹ قانون مدنی می گوید: هرگاه دخول شیئی در مبیع مشکوک باشد آن شیئی داخل در مبیع نخواهد بود.

کاربرد اصل استصحاب در تفسیر قراردادها

استصحاب زمانی کاربرد دارد که ما در مورد وضعیت فعلی چیزی تردید و در مورد وضعیت سابق آن یقین داشته باشیم به این ترتیب فرض را بر بقای حالت سابق می گذاریم مگر آنکه خلافش ثابت شود. (محمدی، ۱۳۸۳)

الاصل العملی: وهو انما يرجع اليه عند العجز عن تحصيل الادله الكاشفه عن الحكم الواقعي وتركز الشك وقد تمسك بعضهم بالاستصحاب عند الشك في ارتفاع حكم ثبت في الشريعة السابقة بادعای العلم بثبوتة والشك بارتفاعه بالنسخ بالنسبه اليها فحكم ببقای اخذ بالروايه الشريفة: لاتنقص اليقين بالشك

اصل عملی: و آن رجوع می کند به ناتوانی از تحصیل دلایلی که کشف واقع کند از حکم واقعی و ایجاد شک شود و برخی به استصحاب توسل می جویند در موقع شک و رفع شبهه. در شریعت به بقای آنچه علم داریم در سابق وجود داشته است حکم می شود با استناد به روایت شریفه: لاتنقص الیقین بالشک (حکیم، ۱۳۹۰)

شیخ انصاری در مکاسب برای اثبات لزوم عقد در موقع تردید به استصحاب تمسک بسته از جمله در بحث خیارات می فرماید: الثالثه الاستصحاب و مرجعه الی اصاله عدم ارتفاع اثر العقد بمجرد فسخ احدهما یعنی اصل استصحاب به بقای حالت سابقه و عدم ارتفاع اثر عقد سابق در حالت تردید حکم می کند (افشاری؛ م و مقصودی؛ رضا و علامه؛ م ۱۳۹۷)

مثال: در خصوص سکوت باکره بر اساس لاینسب لساکت قول که در تفسیر به آن استناد می شود بیانگر آن است که از سکوت باکره قولی قابل استناد نیست و سکوت اولیه او استصحاب می شود.

مثال دیگر: هرگاه ندانیم سربازی که به جبهه اعزام شده کشته شده یا زنده است زنده بودن او را تا که چندی پیش معین داشتیم می پذیریم و با تردید در واقعیت با تمسک به اصل استصحاب حکم به بقای او می کنیم و آثار و احکام شرعی و حقوقی زنده را بر او بار می کنیم و می گوئیم همسر او باید شوهر اختیار نکند و اموال او تقسیم نشود

جریان اصل لزوم در تفسیر قراردادها

در موردی که با یک عقد و قرارداد روبرو هستیم و نمی دانیم این قرارداد لازم است یا جایز و طرف قرارداد هم مدعی است این قرارداد جایز است به حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی اگر پس از تملیک مال معین طرفین اختلاف شود که عقد مقصود طرفین هبه بوده است یا صلح معوض چنین تفسیر می شود که عقد مورد اراده طرفین عقد لازم بوده بنابراین ناقل نمی تواند مورد عقد را استرداد کند. یعنی علی الاصول باید کلیه عقود و قراردادهای واقع شده را که لزوم و جواز آنها معلوم نیست حمل بر لزوم کنیم و هر جا که عبارتی از قرارداد قابلیت دو نوع تفسیر را داشت که یکی مستلزم فسخ و دیگری مستلزم لزوم قرارداد باشد تفسیری را بر گزینیم که به لزوم عقد منجر شود. (صاحبی، ۱۳۷۶، ۱۷۹ تا ۲۲۴)

نخستین فقیهی که از این اصل به گونه ای روشن نام برده و بدان استناد بسته علامه حلی در قواعد الاحکام است که می گوید: الاصل فی البع اللزوم و انما یخرج علی اصله به امرین ثبوت خیار و ظهور عیب (حلی؛ ۱۳۴۵)

مشهور فقها برای اثبات اصل لزوم به آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود (سوره مائده، آیه یک) استناد کرده اند. مثال: اگر در عقد نکاح با حدوث بعضی عیوب مربوط به زوج و زوجه در حدوث خیار و عدم آن تردید کنیم چنانچه دلایل شرعی تعیین تملیف نکردند با استناد به قاعده لزوم حکم به لزوم داده می شود. در نتیجه این عیوب موجب خیار نمی شود

اصاله الاطلاق

وقتی تردید حاصل شود که کلام به صورت مطلق بیان شده است یا مقید شده اصل بر اطلاق است. در ماده ۴ قانون مدنی می خوانیم: اثر قانون نسبت به آتیه است. کلام قانون مطلق است یعنی اثر هر قانونی نسبت به آتیه است. و موردها ما اذا ورد لفظ مطلق له حالات و قیود و یمكن اراده بعضها منه و شك فی اراده هذا البعض لاحتمال وجود القید فیقال الاصل اطلاق فیکون حجه علی السامع و المتکلم. کقوله تعالی: احل الله البیع سوره بقره ۲۷۵

فلوشک مثلا فی البیع انه هل یشرط فی صحته ان ینشا بالفاظ العربیه فاننا نتمسک باصاله اطلاق البیع فی الایه لنفی اعتبار هذا الشرط و التقیید به فتحکم حینئذ به جواز بالفاظ غیر العربیه

ماده ۲۱۹ قانون مدنی: عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به سبب قانونی فسخ شود. مورد آن قاعده آنجاست که لفظ مطلق که دارای حالات و قیود مختلفی است وارد شود و امکان داشته باشد که برخی از آن حالات و قیود اراده شده باشند و ما شک کنیم که آیا همه حالات قصد شده یا برخی حالات. در اینجا گفته می شود: اصل اطلاق است و لذا این اصل بر شنونده و گوینده حجت است مثل قول خدای تعالی: احل الله البیع. پس اگر در بیع شک شود که آیا صحت آن مشروط به انشای باالفاظ عربی است یا نه ما برای نفی اعتبار این شرط و عقیده اصالت اطلاق بیع در آیه فوق تمسک می کنیم و در نتیجه به جواز بیع به الفاظ غیر عربی حکم می کنیم (مظفر، ۱۳۸۵)

در ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی آمده است: نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است..... اگر شک کنیم که منظور مقنن در اینجا نکاح دائم است یا مطلق نکاح بر اساس اصاله الاطلاق منظور او انواع نکاح است مگر اینکه قرینه ای بیاید که منظور نکاح دائم است نه موقت.

اصل صحت

در هر موردی که شک در صحت معامله ای حاصل شود بر اساس اصل صحت حکم بر صحت آن می کنیم. مگر دلیل بر بطلان آن اقامه شود.

الصلح هل یثبت فیہ الربا ام لا؟ قیل فیہ قولان: احدهما لاختصاصه بالبیع و اصله العموم قوله تعالی: الا ان تكون تجاره عن تراض منکم. والآخر: الثبوت واختاره المصنف والتحقیق ان تقول الصلح ان كان بیعا ثبت فیہ الربا وان لم نجعله بیعا فهل الربا مختص بالبیع او هل ثابت فی کل عامله؟ الحق الثانی وهو مذهب المصنف وقد صرح به الشرایع

آیا در صلح ربا ثابت می شود یا نه ؟ گفته شده : در این خصوص دوقول هست . یکی از آنها ویژه بیع است براساس اصله العموم و فرموده خداوند بزرگ مرتبه : تجارتی است که در آن رضایت بین مردم وجود دارد و بیان دوم که نویسنده (علامه حلی) آن را برگزیده است این است که اگر صلح بیع باشد پس در آن ربا ثابت است . گفتار دوم درست است و این روش حلی است و در شرایع الاسلام نیز مورد تصریح قرار گرفته است . (حلی، ۱۴۰۷)

مثال : اگر کسی را بینیم مایعی می نوشد و احتمال بدهیم که آب یا شراب است بنابر اصل صحت که مسلمانان فعل حرام انجام نمی دهند می گذاریم و می گوئیم این آب آشامیدنی است .

مثال در قرآن : در آیه قولواللناس حسنا مطابق تفسیری که در اصول کافی از قول امام معصوم (ع) نقل شده است : درباره مردم به هنگامی که چگونگی کارشان معلوم نشده جز به خیر سخن نگوئید . صحت در برابر فساد است بدین مفهوم که باید رفتار فرد مسلمان را به نوعی تفسیر کنیم که از آن آثار صحیح شرعی به بار آید (حایری یزدی ؛ ۱۴۱۸ ق)

سکوت و تفسیر قرارداد

مطابق قاعده فقهی لَا يَنْسَبُ لِسَاكِتٍ قَوْلٌ در اسلام به شخص ساکت قولی نسبت داده نمی شود . فقها بر این مسأله اتفاق نظر دارند که سکوت مجرد اراده شخص ساکت تلقی نمی شود . اما سکوت مقرون به دلایل و قرائن چون نص شرعی ، عرف و قواعدی چون لزوم و دفع ضرر تحت شرایطی بیانگر اراده شخص به شمار می آید . تفسیر قرارداد عبارت است از تلاش برای رفع ابهام مزبور با استفاده از متن قرارداد و یا منابع خارج از آن یکی از راههای تفسیر قرارداد یافتن اراده با توجه به سکوت طرفین است . (وکیلی و موسوی ، ۱۳۹۱ ، ۱۸۴)

رفع سکوت قرارداد با قوانین تفسیری

مقررات تکمیلی یا تفسیری بر خلاف مقررات امری برای رفع سکوت از قرارداد به کار می روند و با الهام از روش متعارف و اوضاع و احوال موجود در قانون جای می گیرد و مبنای آن اراده مشترک طرفین است . این مقررات اراده طرفین را تفسیر می کنند به عبارت دیگر طرفین قرارداد با عدم تصریح به مقررات فوق آن را به صورت ضمنی پذیرفته و آن را حاکم بر روابط قراردادی و اراده مشترک خود دانسته اند . ماده ۲۲۰ قانون مدنی می گوید : عقود نه تنها متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند . طبق این ماده اگر قرارداد مسکوت باشد عرف معیاری برای حدود تعهدات طرفین است و قرارداد بر اساس عرف تفسیر می شود .

تفسیر در قراردادالحاقی

در قرارداد الحاقی تفسیر به گونه دیگری است. در این نوع قراردادها شرایط از سوی یکی از طرفین به طور کامل تعیین می شود و طرف دیگر فقط حق دارد که به این قرارداد منضم شود و حق چانه زدن ندارد. در قرارداد الحاقی چون شرایط به طرف قرارداد تحمیل می شود صحبت از احراز قصد مشترک طرفین نیست بلکه سخن از اجرای عدالت در این رابطه است یعنی در اینگونه قراردادها هر شرط مبهم به سود کسانی تفسیر می شود که به آن قرارداد ملحق شده اند. یکی از مصداق های مهم اجرای چنین قاعده ای قراردادهای بیمه است. در این زمینه عرف مستقری است که به صورت قاعده در آمده بدیم مضمون که در قراردادهای بیمه هر شرط مبهمی به سود بیمه گذار تفسیر می شود چون بیمه گر شرایط را معین می کند و در اختیار بیمه گذار قرار می دهد.

نوآوری های قانون تجارت الکترونیک

باتوجه به اینکه در نظام حقوقی ایران هرگز قاعده مدونی در خصوص تفسیر قوانین ومقررات وجود نداشته و تنها می توان به یک مورد اشاره کرد و آن اینکه در ماده ۲۳ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۵/۸ مجلس شورای ملی آمده است: اعتبار وتفسیر واجرای قرارداد هاتابع قوانین ایران خواهد بود. ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ فصل سوم خود را به تفسیر قانون اختصاص داده و در واقع باب جدیدی را در نظام قانونگذاری ایران باز کرده است که به همین دلیل از آن به عنوان بخشی از نوآوری های قانون تجارت الکترونیک یاد می شود. در این ماده آمده است: ، در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن ورعایت لزوم حسن نیت توجه کرد، نوآوری از این جهت است که قانون تجارت الکترونیک ایران برای نخستین بار به قاعده تفسیری اشاره کرده و دقیقاً بر خلاف ماده ۲۳ قانون نفت که تفسیر قرارداد را به قوانین داخلی ارجاع داده بود در اینجا تاکید قانونگذار اولاً بر تفسیر قانون است نه قرارداد ثانياً تفسیر بر مبنای خصوصیت بین المللی قانون است یعنی قانونگذار از قواعد داخلی در تفسیر عدول کرده است. این نوآوری از این جهت موثر است که باتوجه به گسترش مناسبات اقتصادی بین المللی در فضای اینترنتی امری اجتناب ناپذیر بوده ومطابق بانیازهای روز است. طبع معاملات از راه دور بخصوص در عرصه برون مرزی ایجاب می کند ابهامات موجود به نحوی بر طرف شوند که در انجام این معاملات تسهیلاتی ایجاد شود. قانونگذار باتوجه به اینکه برای نخستین بار شاهد تجربه کردن قانونی به نام تجارت الکترونیک است علی الخصوص که طرح آن منبعث از اندیشه مقنن ایرانی نبوده وبیشتر از قانون نمونه آنسیترال نمونه برداری شده است پیش بینی وجود ابهامات نیازمند به تفسیر در این قانون امری عقلایی بوده است. پس به این دلیل است که تفسیر این قانون قادر به حل مشکلاتی خواهد بود که در عمل در نظام حقوقی ایجاد خواهد شد علاوه بر این در ماده ۳ به ضرورت هماهنگی بین کشورها در کاربرد تفسیر اشاره شده است. این موضع درستی است که برای ایجاد وحدت حقوقی که نیل به هدف را آسان می سازد بر ضرورت هماهنگی در تفسیر تاکید شود و این از نقاط قوت نوآوری قانون تجارت الکترونیک ایران است. تنها نقطه

ضعف این ماده عدم توجه به تفسیر قراردادهاست که می دانیم این قراردادها هستند که دارای ابهامات هستند و نیاز مند و تفسیر. نوآوری سوم در این ماده لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر مورد تاکید قرار گرفته است. این موضع گیری صریح قانونگذار در خصوص رعایت حسن نیت در تفسیر قانون بدیع است هر چند رعایت حسن نیت در تفسیر مفروض است و بر اساس اصول هم قضات از تفسیر بدون حسن نیت مبرا هستند. نهایتاً اینکه قانونگذار در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی ایران بر این عقیده بوده است که پا به پای سیستم های حقوق دنیا به پیش برود که این نیز یک نوآوری قابل تامل است.

تفسیر قراردادها در برخی نظام های بین المللی

الف - در نظام کامن لا

در نظام حقوقی کامن لا به دوشیوه تفسیری مضیق و موسع برای رفع ابهام از مفاد قرارداد به کاررفته است. در این نظام تفسیر موسع به مفهوم یافتن هر روش ممکن برای رفع ابهام از متن است بطوری که متن مهمل نشده و تاثیر حقوقی داشته باشد در مقابل آن تفسیر مضیق عبارت است از بسنده نمودن به همان معنایی که به طور آشکار از الفاظ متن به دست می آید. (Sivamy, 1989)

باتوجه به رویه قضایی و آرای صادره در زمینه تفسیر در نظام حقوقی کامن لا بخصوص در انگلیس از آنجا که تفسیر قرارداد امری مهم است و دادرس در تفسیر قراردادها به پرونده مشابه و عملکردهای سایر شکات نیز توجه داشته و در استخراج عوامل اجتماعی همچون عرف بازرگانی و رسوم اجتماعی در زمینه تجارت خاص از این آرا استفاده می کند. (1986, guest)

ب - در حقوق فرانسه

طبق ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه قصد مشترک طرف های قرارداد باید احراز شود و به معنی ادبی اصطلاح ها اکتفا نشود. در فرانسه دادگاهها و نویسندگان بر روی این مطلب توافق دارند که همانطور که در ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی مقرر است به دنبال قصد مشترک طرفین می باشند آنها پذیرفته اند که در زمانی که در واقع هیچ قصد مشترکی وجود ندارد قضات باید اراده فرضی طرفین را تعیین نمایند. (1964, simler)

انتقاد

فصل سوم قانون تجارت الکترونیکی ایران دو ماده دارد. در ماده ۳ به روش های تفسیر قانون و ماده ۴ به قضاوت در مواقع سکوت یا ابهام باب اول آن قانون اشاره شده است. باب اول قانون مشتمل بر ۳۰ ماده است که در ماده ۴ تکلیف موارد سکوت یا ابهام در مورد آن روشن شده است. در حالی که قانون تجارت الکترونیکی ۸۱ ماده و هفت تبصره دارد و در شرایطی

که وجود موارد سکوت یا ابهام در همه مواد قانون قابل پیش بینی است بخصوص که قانون تجارت الکترونیکی مراحل آغازین خود را می گذراند و هنوز به طور جدی رویه قضایی تجربه نکرده و به نقد کشیده نشده است عدم تعیین تکلیف موارد سکوت یا ابهام در خصوص بخش اعظم این قانون از ماده ۳۱ تا ۸۱ و تبصره های ذیل برخی مواد جای سوال دارد

پیشنهادها

۱- ضرورت بازنگری قانون تجارت الکترونیکی ایران و تعیین تکلیف تفسیر در خصوص سایر قسمتهای این قانون. پیشنهاد می شود؛ باب اول؛ از عبارت باب اول این قانون حذف شود

۲- در بازنگری قانون تجارت الکترونیکی مرجع تفسیر قراردادهای تجاری به روشنی مشخص شود تا در آینده آرای متهافت صادر نشود.

۳- وجود هر ابهامی در مفاد قراردادها ممکن است خسارات قابل توجهی ایجاد کند به نحو نظام مندی تدوین شوند. الزام طرفین قرارداد به تنظیم قرارداد با دخالت کارشناسان و متخصصان یکی از این راه حل هاست ..

نتیجه گیری

قانونگذار در زمان وضع قانون توانایی پیش بینی همه موارد و مسایل احتمالی را ندارد و به ناچار هرچند هم سعی در تدوین قانون جامعی داشته باشد باز برخی از مسایل را مسکوت می گذارد چرا که اصلاً به ذهن او خطور نمی کند لذا فقط به بیان کلیات می پردازد زیرا که پیشرفت تمدن و مقتضیات سیاسی هر روز ممکن است مسایل نویی را بوجود آورد که در زمان وضع قانون مطرح نبوده است. برای همین است که تفسیر قانون پرده از اجمال و ابهام و ازگان چند پهلو و عبارت های پیچیده بر می دارد از سوی دیگر قانون با تفسیر شدن راههای تازه ای به درون جامعه و مردم پیدا می کند زیرا حقوق برای جامعه و رفع نیاز های آن است. در تعامل حقوقی انسانها بایکدیگر و بر اساس اراده آنان قانون حاکم بر آن تعامل یعنی قرارداد شکل می گیرد و به حکم همین قرارداد است که شخص متعهد و ملتزم به انجام امری می گردد. هدف از انعقاد قرارداد اجرای مفاد آن توسط طرفین قرارداد است. ولی نخست باید مفاد و حدود قرارداد معلوم شود. اگر تعیین و تبیین مفاد قرارداد دقیق نباشد هریک از طرفین بخشی از آن را که ملزم به اجرای آن است تفسیر می کند. اگر طرف مقابل این تفسیر را نپذیرد در مدلول قرارداد اختلاف ایجاد می شود و پیرو آن نزاع نزد محاکم مطرح می گردد در چنین مواردی نبود قواعد منضبط و کارآمد برای تفسیر قراردادها مهمترین مشکل داگاهها می باشد و بی توجهی یا کم توجهی به قواعد تفسیر قرارداد از نقایص قانون مدنی ایران است. در تفسیر قرارداد همانند تفسیر قانون و مقررات دیگر باید از اصول لفظی مورد بحث در علم اصول استفاده کرد زیرا مباحث علم اصول که متضمن بیان مسایل مربوط به اصول لفظی است همانند اصول عملی ریشه در مبانی عقلی و عرفی دارد به همین جهت کارایی این اصول اختصاص به نظام حقوقی خاص ندارد. ضابطه ای خردمندانه و تکیه گاهی عقلایی در استنباط مفاهیم قانونی و قراردادی در دستگاه علم حقوق به شمار می رود و می تواند در نظام های حقوقی متفاوت مبنای استنباط قرار گیرد. اصول عملی نیز می تواند در تفسیر قرارداد مورد استفاده قرار گیرد. این اصول در معنای عام خود شامل قواعد حقوقی مثل قاعده صحت و نیز نهاد های علم اصول یعنی اصول حاکم در موارد تردید برای رفع سرگردانی و بلا تکلیفی که در مواردنا پیدا بودن حکم یا موضوع قانونی مورد استناد قرار می گیرند مانند استصحاب و اصل برایت و اصل عدم است. در تفسیر قرارداد قوانین تکمیلی یا تفسیری نقش بسزایی را ایفا می کنند. به کمک قوانین یاد شده قانونگذار اراده مفروض طرفین عقد را بیان می کند. فایده اینگونه قوانین این است که راه حل های عرفی و عادلانه را در هر قرارداد پیش بینی می کند و طرفین ناگزیر نخواهند بود که تمام جزئیات حقوق و تکالیف خود را در عقد ذکر کنند به همین مناسبت آنها را قوانین تفسیری یا تکمیلی گفته اند. فقه امامیه می گوید: المومنون عند شروطهم. قاضی موظف است قصد مشترک طرفین را احراز و اعمال کند. این تفکر در فقه امامیه در قالب العقود تابعه للقصد متجلی است. همانگونه که قانون متکی بر اراده عمومی است و باید اجرا شود. همه نظام های حقوقی در عرصه بین المللی از جمله حقوق ایران و فقه امامیه در حوزه تفسیر متفقاً در تلاش برای حمایت از حقوق طرف ضعیف قرارداد هستند. اینجاست که عدالت در پرتو تفسیر متجلی خواهد شد. فقه امامیه از مبانی

مستحکمی برای تفسیر قرارداد بهره می گیرد که در کمترین جایی می توان دید. مبانی اصولی و قواعد فقهی شاخص ترین نقاط قوت این دیدگاه هستند. قاعده لاضرر مبتنی بر حدیث نبوی نیرومند ترین مبنای تفسیر قرارداد است. داوری عرف راهمه نظام های حقوقی پذیرفته اند زیرا در طول تاریخ مناسبات اجتماعی و اقتصادی مردم در مسیر تحولات گوناگونی قرار گرفته است و قواعدی مورد احترام عموم واقع شده اند بی اینکه در نهاد قانونگذاری مورد بحث و تقنین قرار گرفته باشند. فقها با عبارت المعروف بین التجار کالمشروط بینهم به داوری عرف احترام گذاشته اند. تفسیر شرط به ضرر پیشنهاد دهنده از اصول مترقی است که معمولاً در قالب تفسیر به زیان متعهد له کاربرد دارد ولی حقوق اسلامی در مسیری منطقی تر مسیولیت عواقب را متوجه کسی می داند که شرط زیان آور را پیشنهاد داده است خواه متعهد باشد خواه متعهد له که این به عدالت و انصاف نزدیکتر است. قانون تجارت الکترونیکی ایران با توجه به خلا موجود در نظام قانونگذاری ایران در خصوص اینکه در هیچکدام از مقررات قانونی ما به صورت منظم و منسجم به تفسیر پرداخته نشده به ضرورت تفسیر قانون بر مبنای سه اصل رعایت حسن نیت؛ لزوم توسعه هماهنگی بین کشورها و جنبه بین المللی قانون تاکید کرده است. اما جای خالی وضعیت تفسیر قرارداد در یک فصل خاص وضعیت تفسیر قرارداد در یک فصل خاص در قوانین ما مشهود است.

Abstract

When there is ambiguity in the formulation of the contract, the interpretation of the contract is necessary to discover the will of the parties. Finding a dispute between the parties is a matter of interpretation. Iran's e-commerce law, which for the first time mentions the need for interpretation as an innovation, deals only with the interpretation of the law and has no text regarding the interpretation of contracts. Considering that Article 4 of the same law entrusts the removal of ambiguity to the judge, it can be said that the interpretation of the contract is the responsibility of the judge in case of ambiguity and dispute. In international conventions and world legal systems, the intention of the parties is to interpret. Imami jurisprudence, based on the intentions of its affiliation for intentions, considers the contract as a function of intention and orders the interpretation of the contract based on the intention of the parties. In addition, in Imami jurisprudence, deep-rooted principles and rules of jurisprudence have been used to formalize the interpretation of contracts. In all three legal systems discussed in this article, custom has a significant place in the interpretation of the contract, and in Imami jurisprudence, based on the knowledge between the merchandise and the conditions between them, custom between the merchants is the interpreter and the will of the parties. Fairness and good faith are recommended in all legal systems in interpreting contracts.

key words

Interpretation of contract, good faith, commercial custom, international sale, Imami jurisprudence

منابع فارسی

- افشاری، مقصودی و علامه؛ م (۱۳۹۷) نقش استصحاب در تفسیر قرارداد؛ فصل نامه الکترونیکی و پژوهش های حقوقی قانون یار؛ شماره ۳ ص ۲۸۹ تا ۳۰۴
- پورسید، ب (۱۳۸۶) قانون تجارت الکترونیکی و نوآوری های آن. مجله حقوقی دادگستری، ص ۶۷-۵۹ تهران دادگستری جمهوری اسلامی ایران
- جعفری لنگرودی؛ م؛ ج؛ (۱۳۷۱) مقدمه عمومی علم حقوق؛ تهران؛ کتابخانه گنج دانش؛
- حایری یزدی؛ ع؛ (۱۴۱۸ ق) در الفوائد؛ قم؛ موسسه النشر الاسلامی
- حکیم، م، ت، (۱۳۹۰ ق). الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: دارالفقہ للطباعه والنشر
- صالحی راد، م، (۱۳۸۷) گستره و آثار تعهدات قراردادی، تهران: انتشارات مجد
- صاحبی، م، (۱۳۷۶) تفسیر قراردادها در حقوق مدنی، تهران: انتشارات ققنوس
- قشقایی، ح، (۱۳۸۷) شیوه های تفسیر قراردادهای خصوصی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- کاتوزیان، ن (۱۳۸۹) شیوه تجربی تحقیق در حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار
- محقق داماد، م، وکیخا فرزانه، م، (۱۳۹۷) کاربرد عرف در مقام تفسیر در حقوق قضایی مبتنی بر فقه امامیه، تهران، فصل نامه دیدگاههای حقوقی قضایی
- مجتهد شبستری، م، (۱۳۸۴) هرمنوتیک، کتاب سنت، طرح نو، تهران، بازتاب اندیشه
- محمدی، ا (۱۳۸۳) اصول فقه، تهران، دانشگاه تهران
- وکیلی، م، و موسوی، ن، تفسیر قرارداد با وجود سکوت طرفین، تهران، فصل نامه پژوهش حقوق خصوصی

منابع عربی

- افندی، م، ا (۱۴۲۲ ق) دایره المعارف اسلامی عابدین، یزد، نشر اندیشمندان
- انصاری، م، (۱۳۸۱ ش) فراید الاصول معروف به رسایل، قم، دفتر انتشارات اسلامی

ایازی ، م ، ع (۱۴۱۴) المفسرون ، حیاتهم و منهجهم ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جبعی عاملی ، ز (۱۴۱۴) مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام ، قم ، موسسه دایره المعارف اسلامی

حصاص ، ا ، (۱۴۰۵ ق) الاحکام القرآن ، بیروت ، دارالاحیای التراث العربی

حلی ، ج ، (۱۴۰۷ ق) المذهب البارع فی شرح المختصر النافع ، قم ، موسسه النشر الاسلامی

حلی ، ح (۱۳۴۵) قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام ؛ قم ؛ موسسه نشر اسلامی ؛

خویی ، ا ، (۱۴۰۸ ق) مصباح الفقاهه فی المعاملات ، بیروت ، دارالهادی

سبحانی تبریزی ، ج (۱۴۲۰ ق) الموجز فی اصول الفقه ، قم ، موسسه امام صادق (ع)

سرخسی ، ش ، (۱۴۰۹ ه ق) مبسوط ، بیروت ، دارالمعرفه

شوشتری ، م ، مترجم ، علی اکبر غفاری (النجعه فی شرح اللمعه) تهران ، انتشارات صدوق

مظفر ، م ، (۱۳۸۴ ق) اصول الفقه ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مظفر ، م (۱۳۸۵) اصول الفقه ، ترجمه غرویان ، م و شیروانی ، ع ، قم ، انتشارات دارالفکر

مظفر ، م ، همان منبع

مظفر ، م ، همان منبع

منابع لاتین

sivamy e. r (۱۹۷۹) general principles of insurance law .th edit .london.butter worth spuh

Lewison ‘ Kim (1997)the inter pretation on contracts QC‘ london‘ sweet &maxweil second edition

Guest . a . g (1986)‘law of contract ‘2nd ed it ‘ London ‘claredom oxford

1162. article

dans le doute la convention s interprete contre qui a stipule et en faveur de celui a qui a
، contracte l obligation

simler “ interpretation de contract”in juris art 1156- 1164 (contracts et obligation s en
‘general “fasc :29-36)no24